

## جایگاه آب در فرهنگ مردم گیلان

مسعود صوفی نژاد سیویری



سرزمین سکونت داشتند.) از آنجایی که آریائیان سوار کار و دامپرور بودند بالتبع برای رسیدن به آب و علف، مهاجرت به سرزمین شمالی ایران بخصوص سرزمین کنونی گیلان را به خاطر وجود منابع آبی چون چشمه، رودخانه، باتلاق و... ترجیح دادند و به این نواحی مهاجرت کردند. در ابتدای امر با مقاومت شدید قوم اولیه سرزمین گیلان مواجه و بعدها رفته رفته بر اثر تفاهم و تعامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی نوعی زندگی همزیستی و مسالمت انگیز بین آنها برقرار شد.

بنابراین اهمیت و احترام و ستایش از «آب» به عنوان مایه حیات و هستی بخش که در معیشت و اقتصاد خانواده گیلانیان موثر واقع بوده؛ با ورود آریائیان فزون گرفته و در نزد ساکنان اش پاک و مقدس شمرده و آنرا منشا هستی و مواد اولیه آفرینش به شمار می‌آوردند.

آب در باور مردمان کهن این سرزمین تاریخی، رابطه و پیوند عمیقی با طبیعت دارد. زیرا که در نگاه و اندیشه ساکنان اولیه سرزمین گیلان، را بطن آب و طبیعت با انسان، نوعی رابطه علت و معلول محسوب می‌گردد. توجه گذشتگان و اجداد و نیاکان گیلانی به «آب» به عنوان نعمت پاک و خدادادی بخصوص در فرهنگ عامیانه مردم این دیار، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده که به نمونه‌های از این دست اشاره و بسنده می‌شود: در مناطق لاهیجان و لشت نشاء، مردم بر این باورند که آب در هنگام سال تحویل به خواب می‌رود و لحظه‌ای متوقف می‌شود. مردم

آب در همه ابعاد زندگی باشندگان سرزمین باستانی گیلان حضور چشمگیر داشته و با همه عناصر فرهنگ این سرزمین سخت درآمیخته است. شناخت گیلانیان و دانسته های ابتدایی آنها از «آب»، اغلب آمیخته با پندارها و باورهایی است که ریشه در اسطوره ها و آیین های مبتنی بر آنها دارد.

گیلان سرزمین باران است و عمده دلیل سرسبزی آن خطه زرخیز و سبزینه همانا باران مداوم و فراوان است. بنابراین باید اذعان داشت که باران شاعری است که سروده اش سبزی و رویش است و ارمغان اش دامن لاله و بنفشه برای اهالی سرزمین باران!...

پژوهش نوشتار حاضر به تبع حوزه مردم شناسی آن بر پایه دو شیوه تحقیق در متون مکتوب و پژوهش میدانی به شرح زیر صورت گرفته است.

در اوستا و ریگ ودا، آبان «ماه هشتم کنونی سال ایرانی» ایزد آبها بوده و در فرهنگ ایران باستان تشتر «تیر» به عنوان فرشته باران یاد گردیده و نیز دکتر محمد معین در فرهنگ فارسی «آب» را به عنوان طراوات، لطافت، تازگی، صفا و درخشندگی تعبیر نموده است. مطالعه و بررسی کنکاش در تاریخ ایران باستان، اطلاعات جامع و مفیدی در رابطه با سرزمین گیلان و گذشتگان در اختیار ما قرار می دهد. مرحوم پیرنیا در کتاب تاریخ ایران باستان می گوید: (مردم گیل قبل از ورود آریائیان به فلات ایران بومیانی بودند که تحت عنوان قوم کادوسیان «کاسیان» در این

«آب لاکو» یا «آو لاکو» بمعنی فارسی همان لاک پشت است، که در نقاط گیلان با روایات گوناگون و تعبیرهای متفاوت از آن یاد می‌کنند. روایت است در گذشته‌های دور در منطقه‌ای از سرزمین کهن گیلان، دختر جوان و بسیار زیبایی به اتفاق مادر شوهرش به حمام می‌رود. دست بر قضا با مادر شوهر اختلاف پیدا کرده و به نزاع و جدل کشیده می‌شود. مادر شوهر با سوز دل عروس زیبا چهره‌اش را نفرین می‌کند. از آنجایی که «ملک آمین» در سیر و گردش بوده به درخواست آه و ناله سوزناک مادر شوهر، عروس جوان را به ظاهر کنونی «لاک پشت» در می‌آورد. این روایت به شکل افسانه، اشاره به جایگاه و خاستگاه آب و تطهیر و پاکی آن در فرهنگ گیلان دارد؛ هر چند روند افسانه یاد شده غیر منطقی و غیر عقلانی است ولی زائد افکار گذشتگان و تاثیرگذاری آب به عنوان مواد اساسی آفرینش در فرهنگ توده عوام مردم این دیار به شمار می‌آید. گفتنی است برخی از ساکنین شرق گیلان در طلب باران خواهی، با تنی پاک و تطهیر شده و وضو گرفته و همچنین خواندن سوره‌ای از قرآن، جلد و روکش قرآن را داخل کاسه‌ای از آب می‌نمودند و از این طریق درخواست برکت و باران می‌کردند.

در خاتمه پژوهش باید متذکر شویم که آب این عنصر حیاتی، ماده آفرینش جایگاه، ویژه و منزلت خاصی در بین مردم گیلان و بازتاب مهمی در فرهنگ و رسوم آنان داشته که تاکنون پابرجاست. امید بر آن داریم تا فرهنگ عامیانه گیلان که نمایانگر سند هویت این دیار و باشندگان آن باشد، سبب القا ارزش‌ها و باورهای صحیح جامعه گیلان به نسل‌های آینده باشد و همچنین بیان‌کننده آرمانها اندیشه‌ها و تجربیات ارزنده گذشتگان به نسل‌های آینده شود و این امر محقق نمی‌شود مگر به پویا بودن فرهنگ عامه این سرزمین تاریخی و باستانی که در صفحه تاریخ ایران همچنان خوش می‌درخشد!...

روستاهای رودبار گیلان نیز به مسئله بسته شدن یا گیر کردن و به خواب رفتن آب، اعتقاد و باور خاصی دارند و علت آن را گذر کردن حضرت خضر نبی (ع) می‌دانند و بدان جلوه مذهبی می‌بخشند. همچنین در روستاهای رودسر و در قاسم آباد، معتقدند که شب قتل (عاشورا) در ایام محرم، آبها از حرکت می‌ایستند که باز هم در این قضیه، اعتقاد و باورهای دینی دخیل می‌باشد.

آب بعنوان عنصری حیاتی در آیین‌های سنتی مردمان گیلان بخصوص در شرق گیلان و نواحی کوهستانی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان مثال جشن «تیرماه سینزه» که بر پایه گاهشماری دیلمی در مناطق گیلان بخصوص نواحی دیلمان و اشکورات برگزار می‌شود؛ ریشه در جشن باستان تیرگان و یادآور خاطره آرش کمانگیر و سابقه آن از نظر تاریخی به خشکسالی دوره ساسانیان برمی‌گردد و نام دیگر آن در جشن آب پاشان یا آب ریزان می‌باشد. خواب آن در این شب از جمله باورهای مردم و قابل تدقیق و تامل فراوان است!...

اهمیت و جایگاه و منزلت آب در فرهنگ ساکنین گیلان بگونه‌ایست که در نمایشهای آیینی آنها راه یافته و بازتاب خاصی داشته است. بعنوان به رسم باران خواهی به جهت تامین آب مورد نیاز کشاورزی و رهایی در روستاهای صومعه‌سرا رسم بر اینست که بچه‌ها قاشق چوبی را از خانه‌ای به امانت می‌گیرند و آن را به سطل عروسکی درآورده و لباسی بر آن می‌پوشانند و در کوچه‌ها آن عروسک را به گردش درمی‌آورند و دسته‌جمعی این ترانه را می‌خوانند. سرخوان: کترا گیشه بوبسته = قاشق چوبی عروس شده است.

خانخا زن بیوه بپوسته = کدبانوی خانه بیوه شده است.

تونور عبا فی گيفته = تنور عبا به سر گرفته است.

واگیر: یا کربلا، یاقوران، ایمشب باره باران = ای کربلا، ای قرآن

مقدس توسل می‌کنیم بر شما، امشب باران بیارد.

بر این اساس می‌توان گفت که آب و باران خواهی ریشه در باورهای

عمیق و مذهبی مردمان این سرزمین باستانی دارد. از جمله موارد مهم در باورهای مردم گیلان بخصوص نواحی شرق گیلان ارتباط باران و رنگین کمان از زیباترین پدیده‌های طبیعت است که در پی بند آمدن باران و تابش آفتاب بر منشور ذرات پراکنده و معلق آب با طیف رنگارنگ نور تجزیه شده بر طاق آسمان کمان می‌کشد. بر این اساس مردم گیلان باور دارند که رنگهای رنگین کمان مفاهیم ویژه‌ای دارند: اگر قرمز زیادتر باشد نشانه خونریزی، اگر سبز زیادتر باشد سرسبزی و فراوانی برنج و چای و اگر زرد زیادتر باشد نشانه قحطی و اگر سفید زیادتر باشد نشانه تولید و بهره‌برداری ابریشم زیاد و رونق آن خواهد بود. همچنین اعتقاد دارند که اگر در هوای آفتابی، باران بیارد اصطلاحاً می‌گویند: {شئال ماره عروسیه گرگ می‌زاید} که در واقع پیدایش همین رنگ کمان می‌باشد.

به صراحت می‌توان گفت که رابطه آب و طبیعت با مردمان گیلان

ریشه عمیق دارد و به نوعی ارتباط علت و معلول به شمار می‌آید.

#### منابع:

۱. انسان و آب در ایران - محمد میر شکرایی - گنجینه ملی آب ایران - ۱۳۸۰
۲. فرهنگ گیل و دیلم - محمود پاینده لنگرودی - امیر کبیر
۳. گذر از جهان افسانه - دکتر تسلیمی - چوبک
۴. یاوری در روستاهای گیلان - هوشنگ عباسی
۵. فرهنگ فارسی معین دوره ۶ جلدی - دکتر محمد معین - امیر میبیر
۶. تاریخ ایران باستان دوره ۳ جلدی - پیر نیا
۷. لیلیه کوه - محمود پاینده - ۱۳۵۹
۸. تحقیقات میرانی نگارنده از ساکنین گیلان